

به نام خدا

نقدی بر "خواب پریشان"

شماره داستان : پنج

پیشگفتار ...

انعام / 159

تو را با آنان که آیین خود را فرقه فرقه کردند و در آن به دسته های مختلف تقسیم شدند، هیچ کاری نباشد، سر و کارشان با خداست، آنگاه آنها را از کردارشان آگاه خواهد کرد.

شروع ...

در سوپر مارکتی ایستاده بودم.
دو نفر داشتند با هم بحث می کردند.
این هم متن بحث آنها:
من مسلمانم. پس نمی توانم اهل هیچ فرقه ای باشم.
دیگری گفت که خموش؛ تو اگر مسلمان بودی، برای بدست آوردن حق پایمال شده ی علی (ع) تلاش می کردی. می رفتی و اثبات می کردی که اگر چنین نمی شد، بعد از رحلت حضرت رسول، بذر این همه فتنه پاشیده نمی شد.

این را گفت و منتظر جواب شد.

آنگاه:

آن مردک، چنان به زیر خنده زد که ماستش به زمین ریخت!

پایان.

1386/11/16

حامد26 (حامد احمدی)

www.hamed26.blogfa.com
